

کاندیدای اکادمیسین سیستانی

سویدن، اول نومبر ۲۰۰۸

۲ نومبر مصادف است با ۱۶۷مین سالروز قیام کابل برضد تجاوز انگلیس

خشم، نفرت، طغیان و شورش برضد حاکمیت بیگانگان، چه عرب، چه عجم، چه ترک، چه مغول، چه روس، چه انگلیس، چه امریکائی و چه اروپائی، جوهر قیام های ملی افغانها را میسازد.

حاکمیت های بیگانگان، ذاتاً همراه است با اختناق و حق کشی و زورگویی و بهره کشی و ستم ملی برای مقاصد شوم و ناروای متجاوزان ستمگر. دامن زدن به اختلافات نهفته قبیله‌ای، نژادی یا قومی، مذهبی و محلی برای بهره برداری از آن به نفع حاکمیت خود و دادن هدایا، تحفه ها، رشوه ها، نفوذ در میان محافل خصوصی و حرم سراها، مانورهای سیاسی، نظامی، نوازش ها و تنبیهات، و همه گونه خدعه ها و حقه بازیهای دیگر، به منظور در اسارت کشیدن جامعه محکوم، از اساسات سیاست استعماری و استعماری بیگانگان است.

بیگانگان برای تحکیم پایه های حاکمیت خود علاوه بر توسل به زور و خشونت، با تطمیع و نزدیک ساختن عده ای افراد سودجو و خود خواه و ضعیف النفس به خود و تهدید کردن و به زندان کشیدن و شکنجه دادن و هتک حرمت اشخاص بارسوخ و دارای جاهت ملی، و خوار کردن آنان در انظار دیگران، سعی میورزند تا با ایجاد فضای ترس و بی اعتمادی میان افراد جامعه محکوم، از وحدت و یکپارچگی مردم بکاهند و مانع هرگونه واکنش و عکس العمل برضد سلطه خود گردند.

اعمال فشار برتوده های ملیونی، و پشت پازدن به ارزش های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی و معتقدات مذهبی، بی اعتنائی به رسوم و آداب و سنن ملی یا محلی، که جامعه آن را پذیرفته و با آن خو گرفته است، از جانب عمال حاکمیت بیگانه، به مرور زمان کاسه صبر مردم را که دارای سنن و آداب و رسوم و اخلاق و معتقدات مشترک و نفع و نقصان یکسان هستند، لبریز ساخته و سبب شورش های خشن یا قیام های عمومی برضد استبداد و حاکمیت بیگانگان در سراسر تاریخ کشور ما شده است.

از همین روال است قیام مردم کابل در ۲ نومبر سال ۱۸۴۱ میلادی برضد تجاوز انگلیسها طی سالهای ۱۸۳۹ - ۱۸۴۲ میلادی. این قیام که به سلسله قیامها و شورشهای ضد استبدادی و ضد سلطه اجنبی در کشور انجامید، یکی از بزرگترین قیامهای مردم ما برضد یکی از قدرتمندترین دول استعماری جهان، یعنی انگلیس است، که به همت مردم شجاع و از خود گذر افغان و رهبری سالم و عاری از جاه طلبی ها و قدرت خواهی ها و مداخلات خارجی، به درایت و شهامت شخصیت های ملی-تاریخی کشور به راه افتاد و بالاخره به موفقیت و پیروزی انجامید.

از جمله ده ها و صدها تن مبارزان ملی از جان گذشته در قیام کابل، نقش ۸ تن از آنان در منابع تاریخی کشور بیشتر برجسته است. این ۸ تن دلیر مرد تاریخ مبارزات کشور عبارت اند از: **غازی عبدالله خان اچکزانی، میر مسجدی خان کوهستانی، نواب محمد زمان خان، نایب امین الله خان لوگری، وزیر اکبر خان، محمد شاه خان بابکر خیل، سردار سلطان احمد خان و سردار شمس الدین خان.**

با مطالعه کارنامه های این ۸ تن مبارز افغان، جوانان ما بایستی تاریخ کشور خود را یک بار دیگر با دقت بیشتر مطالعه کنند، تا بهتر آگاهی حاصل نمایند که وطن عزیز ما در هر مرحله از تاریخ چه بزرگ مردانی در دامان پرفیض خویش پرورش داده که تاریخ وطن و مردم ما به نام و کارنامه هایشان بخود می بالد و افتخار می کند.

واقعاً شهامت و پایداری و صداقت و یکدلی این دلیرمردان تاریخ ما، درس بزرگ وطن دوستی، مردم خواهی، اتحاد ملی، دفاع از شرف و نوامیس ملی برای نسلهای حاضر و آینده کشور ما خواهد بود و بسیار بجاست تا از این قهرمانان ملی و مبارزین از جان گذشته با تکریم و شکوه بیشتر یادآوری شود و یادنامه دلیرمردیهای هریکی را در رساله یی یا کتابی تصویر کرد و به دست نثر سپرد. حتی میتوان پیشنهاد نمود تا به پاس کارنامه ها و پیکارهای جانبازانه غازی مردان سه جنگ افغان و انگلیس و همچنان جنگ کبیر میهنی ضد شوروی، محافل یاد بود، سیمینارها، کنفرانسها و سمپوزیم هایی در سطح ملی و بین المللی دایر گردد.

بزرگداشت از مبارزین ملی و جانبازان راه آزادی وطن، حرمت گذاری به شهامت و فداکاری مردان دلیر وطن و پدران و نیاکان غیور افغان و رهبران ملی شرافتمند و مسلمان کشور یک عمل بسیار بجا و معقول است و به هیچوجه اهمیت آن کمتر از یاد بود شاعری گمنام و احياناً مداح و غرق در دنیای خود و بیگانه از مردم نیست. از همین دیدگاه ضرورت دوباره نویسی تاریخ کشور در پرتو اندوخته ها و تحقیقات نوین برای هر نسلی از وظایف اولی به شمار میرود.

کارنامه های هریک از رهبران قیام ۱۸۴۱ را از آنجهت جداجدا بررسی میکنم تا سهم و جایگاه هریک شان در مبارزه برضد بیگانگان برای ما و نسل های بعدی روشن و مشخص شده باشد. شرح و بسط و حجم بحث مربوط به هریک از این رهبران افغان، مربوط و منوط به میزان معلومات منابع و مدارکی است که در دسترس نویسنده قرار گرفته اند. نگارنده امیدوار است که با توجه و دقت در شرح حال و سرگذشت هریک از رهبران ملی و سهیم در قیام کابل، درک و معرفت ما، با شخصیت های تاریخی کشور دقیق تر و کامل تر گردد، تا بتوانیم در برابریاوه سرایان ضد افتخارات ملی و تاریخی کشور موضع گیری استوارتر و دقیق تری داشته باشیم.

پایان